

بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان در آمل (گزارش یافته‌های یک پژوهش میدانی)

* محمدرضا اسماعیلی ** حسن بشیرنژاد *** مهرداد روحی مقدم
دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سال‌های اخیر بسیاری از زبان‌های محلی و اقلیت را در معرض خطر انقراض قرار داده و زبان‌های محلی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. امروزه در استان مازندران نیز شاهد فراگیری و کاربرد روزافزون فارسی و کاهش کاربرد مازندرانی در حوزه‌های مختلف هستیم و ادامه این روند می‌تواند تهدیدی برای موجودیت این زبان باشد. این پژوهش با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه به بررسی میزان کاربرد و فراگیری مازندرانی در چندین حوزه و در سه گروه سنی در شهر آمل پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در برخی حوزه‌های غیررسمی مانند خانواده مازندرانی زبان غالب است اما در حوزه‌های رسمی‌تر مانند مدرسه و اداره فارسی غلبه دارد. در تمامی حوزه‌ها کاربرد فارسی در بین جوانان بیش از گروه‌های سنی بالاتر است. در ضمن زنان بیش از مردان، شهرنشینان بیش از روستائیان و افراد تحصیل کرده بیش از افراد بیسواد یا کم‌سواد از فارسی استفاده می‌کنند. نگرش‌ها نسبت به مازندرانی، به ویژه در بین جوانان چندان مثبت نیست. با در نظر گرفتن موارد ذکر شده می‌توان ادعا کرد که مازندرانی یک روند فرسایشی تدریجی را در منطقه طی می‌کند.
کلیدواژه‌ها: فارسی، مازندرانی، کاربرد زبان، مرگ زبان، نگرش زبانی

The Study of the Status and Use of Mazandarani and Speakers' Attitudes in Amol (Findings of a Field Research)

Mohammad Reza Esmaili
Instructor, Department of English Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, Islamic Azad University (Amol Branch)

Hassan Bashirnezhad
Assistant Professor, Department of Linguistics
Faculty of Letters and Human Sciences, Islamic Azad University (Amol Branch)

Mehrdad Roohi Moghaddam
Instructor, Department of English Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, Islamic Azad University (Amol Branch)

Abstract

Social, cultural, economic and political developments in recent years have put many local and minority languages in danger of extinction and Iranian vernaculars are not an exception to this general rule. Nowadays, in Mazandaran, we witness the increase of acquisition and usage of Persian in various domains and the persistence of current state can threaten the survival of Mazandarani. This research, using questionair and interview, is investigating the acquisition and usage of Mazandarani among three age groups in Amol. The findings of the research show that in some informal domains like family domain, Mazandarani is the dominant language but in formal domains such as school and office domains Persian is more common. In all domains, Persian is used by young people is more than by older age groups. Meanwhile, the usage of Mazandarani by women, urban and educated people more than that by men, rural and illiterate inhabitants. Attitudes towards Mazandarani is not so positive, especially among younger generations. Considering the above mentioned cases perencing a process of gradual erosion in the region.

Keywords: Farsi, Mazandarani, Language Use, Language Death, Language Attitude

* کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، مربی گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

** دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی، استادیار گروه مردم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

*** کارشناس ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی، مربی گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

1 - مقدمه و طرح موضوع

تحولات سریع و دامنه‌دار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که از مشخصه‌های بارز جهان کنونی ماست موجب برهم خوردن تعادل زیست محیطی در سراسر جهان گشته و به روند انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری شتاب بخشیده است. زبان‌ها نیز به عنوان نوعی ارگانسیم از تأثیر این تحولات دامنه‌دار مصون نمانده و شمار زیادی از زبان‌ها برای همیشه از میان رفته و تعدادی نیز با کاهش تعداد گویشوران‌شان به شدت در معرض خطر نابودی قرار دارند. بدیهی است که با حذف یک زبان، گویشوران آن زبان از سخن گفتن باز نمی‌ایستند و به‌طور طبیعی زبان دیگری نقش برقراری ارتباط را در آن جامعه زبانی به عهده می‌گیرد. در این فرایند جایگزینی، این زبان‌های اقلیت و کم‌اعتبار هستند که جای خود را به زبان‌های معتبر و برخوردار از پشتوانه‌های قدرت می‌دهند و زبان‌شناسان هشدار می‌دهند که ادامه این روند ممکن است تنوعات زبانی موجود را از بین ببرد و ناخواسته تعداد اندکی زبان صاحب قدرت را جایگزین زبان‌های گوناگون در گوشه و کنار جهان نماید.

مازندرانی یکی از زبان‌های کهن ایرانی است که سالیان سال زبان بومیان ساکن در بخشی از مناطق شمالی ایران را تشکیل می‌داده است. در سال‌های اخیر این زبان تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شاهد دگرگونی‌ها و تحولاتی بوده است که تصور می‌رود با گذشت زمان، سرعت و وسعت این تحولات به تبع تحولات غیرزبانی چشمگیرتر نیز شود. مدت زمانی است که آموزش زبان فارسی به فرزندان در خانواده‌های مازندرانی رایج گشته است و این مسئله حتی در خانواده‌های متوسط یا پایین‌تر و در میان روستاییان و کوه‌نشینان نیز ملاحظه می‌شود. در نتیجه، اکنون در بسیاری از خانواده‌ها فارسی در کنار مازندرانی زبان ارتباطی میان افراد را تشکیل می‌دهد و این در حالی است که در گذشته‌ای نه چندان دور، مازندرانی تنها زبان ارتباطی میان اعضای خانواده در منطقه بود. رواج دوزبانگی تنها به حوزه خانواده محدود نمی‌شود و در دیگر حوزه‌ها نظیر کوچه و خیابان، مدارس و مکان‌های دولتی نیز کاربرد روزافزون فارسی را، به ویژه در بین جوانان، شاهدیم. بنابراین فارسی به تدریج وارد حوزه‌هایی می‌شود که زمانی مطلقاً مازندرانی محسوب می‌شدند و با ادامه این روند بیم آن می‌رود که مازندرانی برای همیشه به‌دست فراموشی سپرده شود. اهمیت این موضوع و همچنین نگرانی و دغدغه خاطر علاقه‌مندان و به ویژه نگارندگان در این رابطه ایشان را بر آن داشت تا یک بررسی میدانی را در شهر آمل به اجرا

گذارند. این پژوهش درصدد شناسایی جایگاه اجتماعی زبان مازندرانی در منطقه و چشم‌انداز آینده آن از طریق بررسی میزان کاربرد آن در حوزه‌های مختلف و سنجش نگرش‌ها و دیدگاه‌های گویشوران نسبت به این زبان است.

2 - گردآوری داده‌ها و جامعه آماری

این پژوهش میدانی ضمن تجزیه و تحلیل داده‌ها و توصیف واقعیت‌های موجود به بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی به عنوان «متغیرهای مستقل»¹ بر میزان کاربرد مازندرانی در حوزه‌های مختلف به عنوان یک «متغیر وابسته»² می‌پردازد.

از پرسشنامه به عنوان روش اولیه گردآوری گسترده اطلاعات و از مصاحبه در موارد ضروری و به عنوان روش مکمل برای آزمودنی‌های بی‌سواد یا کم‌سواد استفاده شده است. در این پژوهش از روش «تحلیل حوزه‌ای»³ پیشنهادی «فیشرمن»⁴ (فسولد 1984) استفاده شده و در تهیه پرسش‌نامه و حوزه‌بندی‌ها از پژوهش خانم «سوزان گل»⁵ (1979) الگوگیری شده است. پرسش‌نامه شامل 36 سؤال بسته می‌باشد که می‌توان آن‌ها را در دو گروه جای داد: گروه اول سؤالاتی که به کاربرد زبان مازندرانی در حوزه‌های مختلف مانند خانواده، مدرسه، کوچه و بازار، محیط کار، مراسم مذهبی و هنر و سرگرمی مربوط می‌شوند و گروه دوم سؤالاتی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد در مورد هر یک از دو زبان فارسی و مازندرانی و نیز احساسات و دغدغه خاطر آن‌ها نسبت به سرنوشت زبان مازندرانی مربوط می‌شوند.

افراد پرسش‌شونده شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه (گروه سنی 14 تا 18 ساله) در شهر آمل و گروه‌های سنی 30 تا 40 ساله و بالای 50 ساله در این شهر می‌باشند. چهار دبیرستان (دو دخترانه و دو پسرانه) جهت تکمیل پرسش‌نامه انتخاب شده‌اند. دبیرستان‌ها براساس پراکندگی‌شان در نقاط مختلف شهر (یعنی به تناسب از مرکز و مناطق حاشیه شهر) انتخاب شده‌اند، اما در انتخاب دانش‌آموزان در هر دبیرستان به روش کاملاً «تصادفی» عمل شده است. در گروه‌های سنی بالاتر نیز پرسش‌شوندگان

1 - Independent variable

2 - Dependent variable

3 - Domain analysis

4 - J. Fishman

5 - S. Gal

به شیوه تصادفی از نقاط مختلف شهر و از گروه‌های مختلف برگزیده شده‌اند. در ضمن برای بررسی تأثیر عامل شهرنشینی نمونه‌هایی از مناطق روستایی مورد بررسی قرار گرفتند. در جامعه شهری در هر گروه سنی 40 نفر (مجموعاً 120 نفر) و در جامعه روستایی نیز در هر گروه سنی 40 نفر (در مجموع 120 نفر) برای تکمیل پرسش‌نامه به میزان مساوی از هر دو گروه جنسیتی انتخاب شده‌اند. به این ترتیب حجم نمونه مورد بررسی به 240 نفر می‌رسد.

3 - توصیف و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، میزان کاربرد مازندرانی در سه گروه سنی در شهر آمل مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور از روش رایج در بررسی کاربرد زبان، یعنی روش «تحلیل حوزه‌ای» استفاده شده است. این روش کاربرد زبان را باتوجه به مکان، موقعیت، مخاطبان و موضوع صحبت بررسی می‌کند که مجموع آن‌ها یک «حوزه» را تشکیل می‌دهند. خانواده، مدرسه، کوچه و خیابان، ادارات، مذهب، هنر و سرگرمی هرکدام به عنوان یک حوزه مستقل در نظر گرفته شده‌اند که تصور می‌رود کاربرد زبان در هر یک از آن‌ها با دیگری متفاوت باشد.

یک فرد دوزبانه در یک جامعه دوزبانه ممکن است در طول شبانه‌روز، برحسب مکان، موقعیت، مخاطب و یا موضوع صحبت به تناوب از دو زبان استفاده کند. برخی مشخصه‌های فردی و عوامل اجتماعی مانند سن، تحصیلات، جنسیت، و شهرنشینی می‌توانند در انتخاب و کاربرد زبان مؤثر باشند. بنابراین میزان تأثیر این عوامل در کاربرد زبان مازندرانی در حوزه‌های مختلف هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

زبان‌شناسان براین باورند که انتخاب و کاربرد یک زبان از بین دو یا چند زبان در درجه نخست تحت تأثیر نگرش‌های زبانی افراد است و مقدمه هرگونه تغییر زبانی شکل‌گیری یک نگرش منفی نسبت به زبان بومی در بین گویشوران است (فسولد 1984: 148، 213؛ پراید 1373: 260؛ یارمحمدی 1374: 17). بررسی نگرش‌های زبانی گویشوران نسبت به زبان مادری‌شان می‌تواند اطلاعاتی به دست دهند که براساس آن بتوان در مورد وضع احتمالی زبان در آینده قضاوت نمود. بنابراین بخشی از این پژوهش به بررسی نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و قضاوت افراد درباره زبان مازندرانی اختصاص یافته است.

3-1- بررسی کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف

برای بررسی میزان کاربرد مازندرانی چهار حوزه کاربردی عمده یعنی حوزه خانواده، حوزه مدرسه، حوزه شهر، و حوزه اداری در نظر گرفته شده‌اند که این حوزه‌ها را عمدتاً موقعیت و مخاطبان آن مشخص می‌کنند. چنان‌که در تعریف حوزه گفته شد، حوزه‌ها علاوه بر مکان و مخاطب می‌توانند به موضوع یا مقوله خاصی مربوط شوند. در اینجا حوزه مذهب، هنر، و سرگرمی نیز به عنوان یک حوزه مستقل در نظر گرفته شد که مسایلی مانند نیایش، سوگواری، شعر، موسیقی و آواز را در بر می‌گیرد. در این حوزه معمولاً مخاطب خاصی وجود ندارد و انتخاب زبان به علایق و تمایلات فرد بر می‌گردد. در ابتدا به بررسی کاربرد زبان مازندرانی در حوزه خانواده می‌پردازیم.

3-1-1- حوزه خانواده

بدون شک خانواده اولین و مهمترین جایگاه برای زبان‌آموزی است و مسلماً زبان اول یا همان زبان مادری فرد در این محیط شکل می‌گیرد. معمولاً زبانی که یک کودک در خانواده می‌آموزد همان زبانی است که پدر، مادر و دیگر اعضای خانواده به وسیله آن با او ارتباط برقرار می‌کنند. در سال‌های اخیر برخی از والدین مازندرانی در برقراری ارتباط با کودکان از زبان فارسی استفاده می‌کنند و این در حالی است که در ارتباطات بین خود والدین از زبان مازندرانی استفاده می‌شود. این مسئله موجب رواج دو زبانی در بین خانواده‌های مازندرانی شده است. در عین حال میزان کاربرد دو زبان ممکن است از خانواده‌ای به خانواده دیگر، و در یک خانواده واحد، از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد. برای آگاهی از تعداد افرادی که مازندرانی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند از آزمودنی‌های هر سه گروه سنی در این مورد سؤال به عمل آمد.

در گروه سنی بالای 50 سال 93/75 درصد از افراد گفته‌اند که اولین زبانی که در محیط خانواده فرا گرفته‌اند مازندرانی بوده است. در گروه سنی 30 تا 40 سال نیز 85 درصد از پرسش‌شوندگان مازندرانی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند. در گروه سنی 14 تا 18 سال تنها 35 درصد مازندرانی را به عنوان زبان اول فرا گرفته‌اند. در جدول زیر، درصد و فراوانی افرادی که فارسی یا مازندرانی را به عنوان زبان اول فرا گرفته‌اند به تفکیک گروه سنی نشان داده شده‌اند:

جدول 1 - میزان فراگیران فارسی و مازندرانی به عنوان زبان اول در حوزه خانواده - آمل

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان / گروه سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
100	80	35	28	65	52	18_14
100	80	85	68	15	12	40_30
100	80	93/75	75	6/25	5	بالای 50
100	240	71/25	171	28/75	69	کل آزمودنی‌ها

این جدول بیانگر رواج آموزش زبان فارسی به عنوان زبان مادری در بین خانواده‌های آملی و نشان دهنده سیر نزولی فراگیری زبان مازندرانی به عنوان زبان اول است. در گروه سنی 50+ تنها 6/25 درصد فارسی را به عنوان زبان اول در خانواده آموخته‌اند، در حالی که این رقم در گروه سنی 30 - 40 ساله به 15 درصد و در گروه سنی 14 - 18 ساله به 65 درصد می‌رسد، یعنی در یک فاصله زمانی 30 تا 40 ساله تعداد این افراد تقریباً 10 برابر شده است.

اولین زبانی که فرد در محیط خانواده می‌آموزد شاید یکی از معیارها برای تعیین زبان اول فرد باشد. ملاک دیگر برای تعیین زبان مادری افراد میزان تسلط آن‌ها بر آن زبان است. از این رو از افراد سه گروه پرسیده شد، «شما بر کدام زبان تسلط بیشتری دارید؟» ارقام به دست آمده تفاوت فاحشی را میان سه گروه سنی نشان می‌دهند. 55 درصد از افراد گروه 14 تا 18 ساله گفته‌اند که بر زبان فارسی تسلط بیشتری دارند، در حالی که این رقم در گروه دوم (30 تا 40 ساله) و سوم (بالای 50 ساله) به ترتیب 18/75 و 2/5 درصد است. این ارقام در جدول 2 نشان داده شده‌اند:

جدول 2 - میزان افراد مسلط‌تر بر فارسی یا مازندرانی - آمل

مجموع		مازندرانی		فارسی		زبان غالب / گروه سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
100	80	45	36	55	44	18_14
100	80	81/25	65	18/75	15	40_30
100	80	97/5	78	2/5	2	بالای 50
100	240	74/58	179	25/42	61	کل آزمودنی‌ها

اگرچه در مجموع تعداد افرادی که بر زبان فارسی تسلط بیشتر دارند کمتر از تعداد افرادی است که بر مازندرانی مسلط‌ترند، ارقام به‌دست آمده حکایت از آن دارند که گرایش به فراگیری فارسی به عنوان زبان غالب به سرعت در حال افزایش است، زیرا در گروه سنی اول تعداد افرادی که بر فارسی تسلط بیشتری دارند بیش از افرادی است که بر مازندرانی مسلط‌ترند. علاوه بر زبان اول، از پرسش‌شوندگان در مورد زبان مورد استفاده در برقراری ارتباط با اعضای خانواده یا فامیل سؤال شد. این اعضا می‌توانند پدر، مادر، فرزندان، برادر و یا خواهر در محیط خانواده، و یا عمه، خاله، عمو، دایی، پدربزرگ، مادربزرگ، یا بچه‌های فامیل در یک جشن یا مهمانی خانوادگی باشند. فراوانی و درصد افرادی که در ارتباطات خانوادگی و فامیلی از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند به تفکیک گروه سنی و مخاطبان در جدول زیر آمده است:

جدول 3 - میزان کاربرد مازندرانی در حوزه خانواده - آمل

بالای 50		30 - 40		14 - 18		گروه سنی	مخاطبان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
98/75	79	87/5	70	51/25	41		پدر و مادر
80	64	31/25	25	20	16		فرزندان
96/25	77	86/25	69	41/25	33		خواهر یا برادر بزرگتر
91/25	73	85	68	27/5	22		خواهر یا برادر کوچکتر
97/5	78	88/75	71	42/5	34		عمو، دایی، عمه، خاله
71/25	57	26/25	21	31/25	25		بچه‌های فامیل
98/75	79	90	72	61/25	49		پدر بزرگ / مادر بزرگ

چنان‌که ملاحظه می‌شود در مجموع کاربرد مازندرانی در گروه‌های سنی بالاتر بیش از گروه‌های سنی پایین است. علاوه بر آن در هر گروه سنی نیز میزان کاربرد مازندرانی برحسب سن مخاطب متغیر است، به طوری که بین سن مخاطب و میزان کاربرد مازندرانی رابطه مستقیم وجود دارد. بیشترین میزان کاربرد مازندرانی در برقراری ارتباط با مسن‌ترین اعضای فامیل یعنی پدربزرگ و مادربزرگ می‌باشد و کمترین میزان کاربرد مازندرانی در برقراری ارتباط با برادر یا خواهر کوچکتر می‌باشد.

خانواده و به ویژه والدین نقش تعیین کننده‌ای در زبان‌آموزی کودک دارند و چنان‌که می‌بینید 80 درصد از والدین بالای 50 سال با فرزندان خود مازندرانی صحبت می‌کنند در حالی‌که در گروه سنی میانی (30 تا 40 سال) این رقم حدود 31 درصد است. تصور می‌رود با گذشت زمان این رقم کاهش یابد، زیرا تنها 20 درصد از افراد جوان (14 تا 18 سال) قصد دارند در آینده با فرزندان خود به زبان مازندرانی صحبت نمایند. بنابراین تمامی شواهد موجود از آن حکایت دارند که میزان فراگیری و کاربرد زبان مازندرانی در حوزه خانواده روبه کاهش و در مقابل فراگیری و کاربرد فارسی روبه افزایش است.

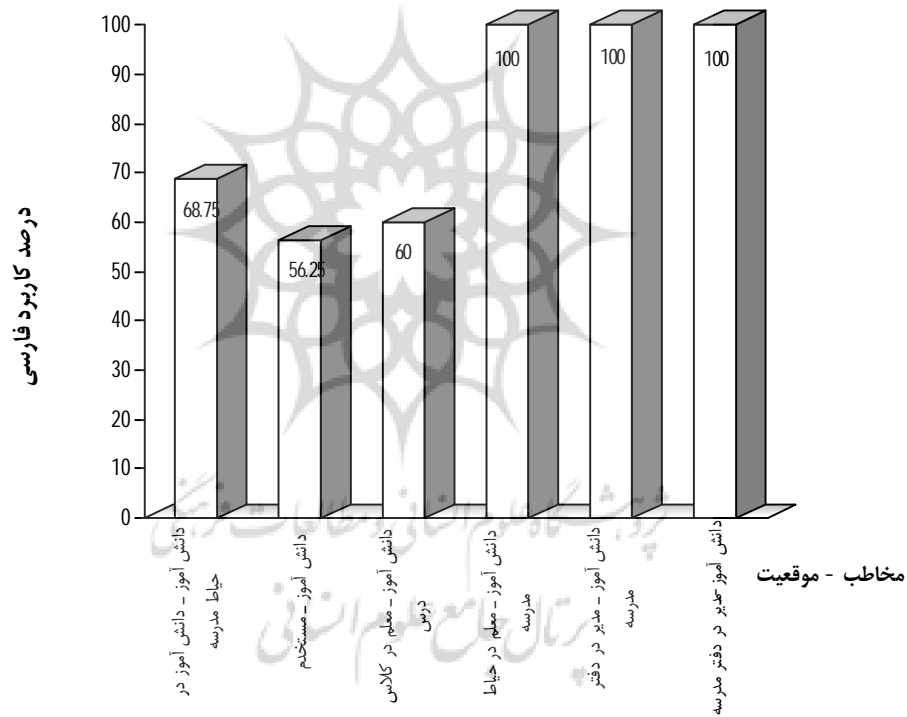
3-1-2- حوزه مدرسه

پس از خانواده، مدرسه مهمترین نهاد برای آموزش زبان به کودکان است. در مدارس کشورمان زبان فارسی به عنوان زبان آموزش به کار می‌رود و زبان‌های محلی در مدارس مناطق مختلف ممکن است نقش‌های متفاوتی را در کنار زبان فارسی به عهده داشته باشند. برای نمونه، در مناطق آذری زبان و کرد زبان کشورمان حضور زبان‌های محلی در حوزه مدرسه به نسبت پررنگ است و این زبان‌ها غالباً وسیله برقراری ارتباط میان دانش‌آموزان و معلمان هستند. در مقابل در استان‌های مازندران و گیلان، زبان‌های محلی در حوزه مدرسه در حاشیه قرار دارند و زبان فارسی علاوه بر این که زبان آموزش است تنها وسیله ارتباطی میان معلمان و دانش‌آموزان نیز می‌باشد. این ادعا مبتنی بر مشاهدات و تجارب شخصی نگارندگان و پژوهش‌های انجام شده، از جمله مشایخ (1381)، صفایی (1383)، و رنجبر (1384) است.

در گذشته‌ای نه چندان دور (شاید سه یا چهار دهه قبل) در مناطق مازندرانی زبان، اکثر فرزندان قبل از سن مدرسه مازندرانی را به عنوان زبان اول می‌آموختند هرچند که به فارسی هم تسلط نسبی داشتند (آمار موجود در بخش قبل هم تأییدی بر این ادعاست) و در واقع فراگیری کامل زبان فارسی به عنوان زبان دوم با ورود به مدرسه آغاز می‌شد. اما در زمان حاضر بسیاری از خانواده‌ها از همان ابتدا تلاش می‌کنند که فرزندان‌شان در حوزه خانواده فارسی را به عنوان زبان اول بیاموزند، احتمالاً با این تصور که فرزندان‌شان با تسلط به زبان فارسی در حوزه مدرسه مشکلات کمتر و موفقیت بیشتری خواهند داشت.

شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهند که در مدارس مازندران، فارسی تنها زبان مورد استفاده در ارتباطات میان معلمان و دانش‌آموزان است اما در ارتباطات بین دو معلم یا دو دانش‌آموز ممکن است

برحسب مخاطب و موقعیت گفتگو یکی از دو زبان فارسی یا مازندرانی نقش برقراری ارتباط را به عهده گیرند. برای کسب اطلاعات دقیق‌تر از میزان کاربرد دو زبان در حوزه مدرسه از آزمودنی‌ها در مورد نوع زبان مورد استفاده در برقراری ارتباط با افراد مختلف (معلم، دانش‌آموز، مدیر، معاون، مستخدم) و در موقعیت‌های مختلف (کلاس درس، حیاط مدرسه، دفتر مدرسه) پرسش به عمل آمد. 68/75 درصد از دانش‌آموزان (گروه سنی 14 تا 18 سال) با هم‌کلاسی‌هایشان در کلاس درس به زبان فارسی صحبت می‌کنند و با تغییر موقعیت از کلاس درس به حیاط مدرسه این تعداد به 56/25 درصد کاهش می‌یابد. در ضمن 60 درصد از دانش‌آموزان با مستخدم مدرسه به زبان فارسی صحبت می‌کنند. زمانی که مخاطب آن‌ها معلم یا مدیر مدرسه باشد 100 درصد آن‌ها از زبان فارسی استفاده می‌کنند. نمودار زیر درصد کاربرد فارسی را توسط دانش‌آموزان در حوزه مدرسه نشان می‌دهد:

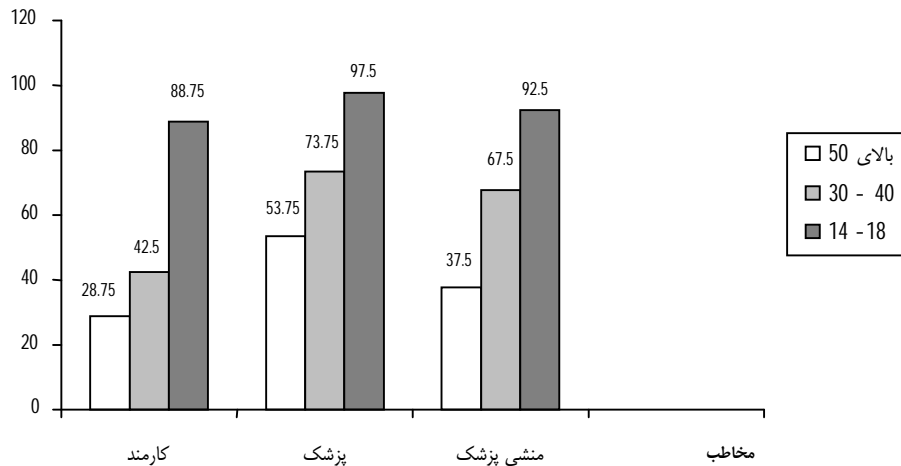


نمودار 1 - درصد کاربرد زبان فارسی در حوزه مدرسه در گروه سنی 14 تا 18 ساله - آمل

چنان که ملاحظه می‌شود در ارتباط بین معلم و دانش‌آموز کاربرد زبان تابع موقعیت، زبان مادری دانش‌آموز یا علایق شخصی وی نیست و نوع زبان همواره ثابت است. عموماً در این موارد در مدارس مازندران دانش‌آموزان حق انتخاب ندارند و اصولاً معلمان نیز تمایلی به استفاده از زبان محلی برای برقراری ارتباط با دانش‌آموز ندارند زیرا معلم با کاربرد زبان رسمی در یک موقعیت رسمی به نوعی در تلاش برای حفظ رابطه رسمی موجود میان خود و مخاطب است. اما کاربرد زبان در بین دانش‌آموزان تا حدود زیادی تابع موقعیت و زبان مادری مخاطبان است.

3-1-3 - حوزه اداری

به غیر از مدارس، برخی مکان‌های رسمی دیگر نیز وجود دارند که آن‌ها را حوزه اداری اطلاق می‌کنیم. این حوزه می‌تواند مکان‌هایی مانند ادارات، سازمان‌ها یا مطب پزشک را شامل شود. مخاطبان در این حوزه می‌توانند کارمندان ادارات، پزشک، یا منشی پزشک باشند. این حوزه اگرچه به مانند حوزه مدرسه یک حوزه رسمی است اما در اماکن اداری، برخلاف اماکن آموزشی الزام خاصی برای کاربرد زبان رسمی (فارسی) وجود ندارد. با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهند که میزان کاربرد زبان فارسی در این حوزه به نسبت بالاست. برای نمونه 88/75 درصد از افراد گروه سنی 14 تا 18 سال با کارمندان در محل کارشان فارسی صحبت می‌کنند. در برخورد با یک پزشک یا منشی او در یک مطب به ترتیب 97/5 و 92/5 درصد از افراد این گروه از زبان فارسی استفاده می‌کنند. میزان بالای کاربرد فارسی توسط افراد این گروه از یک طرف نشان دهنده گرایش افراد جوان به استفاده از زبان فارسی، به ویژه در موقعیت‌های رسمی است و از سوی دیگر تابعی از جایگاه و طبقه اجتماعی مخاطبان حاضر در این حوزه می‌باشد. در مجموع اکثریت قریب به اتفاق افراد این گروه (بالای 90 درصد) در حوزه اداری از زبان فارسی استفاده می‌کنند. انتظار می‌رود که در گروه‌های سنی بالاتر میزان کاربرد فارسی در این حوزه کمتر باشد، هرچند که در کل در این حوزه میزان کاربرد فارسی در این گروه‌ها بیش از میزان کاربرد فارسی در یک حوزه غیررسمی مانند خانواده است. برای اطلاع از میزان کاربرد فارسی در این حوزه به نمودار 2 توجه نمایید:



نمودار 2 - میزان کاربرد فارسی در حوزه اداری توسط افراد سه گروه سنی - آمل

در این نمودار دو نکته مشهود است: اول این که بین میزان کاربرد فارسی در حوزه اداری و سن افراد رابطه معکوس وجود دارد. ثانیاً میزان کاربرد فارسی در هر گروه سنی برحسب موقعیت اجتماعی مخاطب متفاوت است. بیشترین میزان کاربرد فارسی در مواجهه با پزشک است که طبیعتاً از موقعیت بالایی در جامعه ما برخوردار است. اما این مسئله که کاربرد فارسی در مواجهه با منشی پزشک بیش از میزان کاربرد فارسی در برخورد با یک کارمند است کمی جای تأمل دارد. شاید جایگاه اجتماعی یک منشی متأثر از جایگاه خود پزشک باشد. علاوه بر آن نباید از خاطر برد که لزوماً همه کارمندان از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار نیستند. مضاف بر این که، منشی‌های پزشکان عموماً خانم‌های جوان هستند که خود گرایش زیادی به کاربرد زبان فارسی دارند.

3-1-4 - حوزه شهر

هر مکانی خارج از خانه، مدرسه یا اداره را اصطلاحاً حوزه شهر می‌نامیم. مسلماً چنین حوزه‌ای بسیار وسیع و گسترده است و مکان و مخاطبان حاضر در آن نیز متنوع و متفاوتند. این حوزه با حوزه خانواده و مدرسه تفاوت‌های اساسی دارد. افراد حاضر در خانواده و مدرسه معمولاً محدود و ثابت‌اند و رابطه نزدیکی بین اعضاء برقرار است. افراد معمولاً از عادت‌های زبانی

یکدیگر آگاهی داشته و نوع زبان براساس عادت و تجربه قبلی انتخاب می‌شود. در مقابل در حوزه شهر با افراد گوناگون از حیث جنسیت، گروه سنی، شغل و طبقه اجتماعی سر و کار داریم و معمولاً نوع زبانی که به کار می‌برند برای ما قابل پیش‌بینی نیست و به همین دلیل انتخاب زبان در این حوزه وسیع نیز می‌تواند برحسب موقعیت و مخاطب متنوع باشد. زبانی که افراد در طول روز به هنگام سخن گفتن با هم محله‌ایها و همسایه‌ها در محل زندگی‌شان، با یک فرد ناشناس در خیابان، با یک مغازه‌دار در مرکز شهر، با راننده تاکسی یا اتوبوس، استفاده می‌کنند ممکن است متفاوت باشد. برای آگاهی از وضعیت کاربردی دو زبان در موقعیت‌های ذکر شده به بررسی آمار و ارقام به‌دست آمده در این زمینه می‌پردازیم.

چنان‌که از وضع موجود در مدارس استان و همچنین پاسخ‌های پرسش‌شوندگان در حوزه مدرسه دریافت می‌شود زبان ارتباطی میان معلم و دانش‌آموزان در محیط مدرسه، چه در کلاس درس و چه در حیاط مدرسه، تنها زبان فارسی است، چرا که در این حوزه انتخاب زبان در برخی موقعیت‌ها تابع مقررات آموزشی است و نه سلیقه شخصی. برای آگاهی از زبان ارتباطی بین معلم و دانش‌آموز در خارج از حوزه مدرسه، از آزمودنی‌ها پرسیده شد که در کوچه و خیابان شهر با معلمان خود به چه زبانی صحبت می‌کنند. $73/75$ درصد از افراد گروه 14 تا 18 سال با معلمان خود در کوچه و خیابان شهر فارسی صحبت می‌کنند، در حالی که در حوزه مدرسه صد درصد آن‌ها به زبان فارسی با معلم ارتباط برقرار می‌کنند. $47/5$ درصد از افراد این گروه با همسایگان خود فارسی صحبت می‌کنند. همین افراد در یک موقعیت رسمی‌تر و با یک مخاطب متفاوت، به ویژه ناشناس به میزان بیشتری از زبان فارسی استفاده می‌کنند. برای نمونه $66/25$ درصد از این افراد با یک مغازه‌دار مرکز شهر به زبان فارسی صحبت می‌کنند و $92/5$ درصد از آن‌ها گفته‌اند چنان‌چه بخواهند از یک جوان ناشناس در سطح شهر آدرس بپرسند به زبان فارسی این کار را می‌کنند. همین افراد اگر بخواهند از یک فرد مسن ناشناس آدرس بپرسند کمتر از زبان فارسی استفاده می‌کنند ($41/25$ درصد). در ضمن $67/5$ درصد از آن‌ها گفته‌اند که با راننده تاکسی یا اتوبوس به زبان فارسی صحبت می‌کنند. وقتی به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم، میزان کاربرد فارسی در تمامی زمینه‌ها در حوزه شهر کاهش می‌یابد. برای نمونه $36/25$ درصد از افراد 30 تا 40 سال با معلمان در کوچه و خیابان فارسی صحبت می‌کنند و این رقم در گروه سنی $50 +$ سال به $27/5$ درصد می‌رسد. در مواجهه با سایر مخاطبان نیز می‌توان کاهش میزان کاربرد فارسی در گروه‌های سنی بالا را شاهد بود. این درصدها به همراه فراوانی در جدول زیر نمایش داده شده‌اند:

جدول 4 - میزان کاربرد فارسی در حوزه شهر در سه گروه سنی - آمل

+ 50		30 تا 40		14 تا 18		گروه سنی / مخاطبان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
27/5	22	36/25	29	73/75	59	معلم
1/25	1	12/5	10	47/5	38	همسایگان
5	4	26/25	21	66/25	53	مغازه‌دار مرکز شهر
27/5	22	67/5	54	92/5	74	جوان ناشناس
7/5	6	10	8	41/25	33	فرد مسن ناشناس
6/25	5	13/75	11	67/5	54	راننده

میزان کاربرد فارسی در برخورد با فرد جوان ناشناس در مقایسه با میزان کاربرد فارسی در برخورد با یک فرد مسن ناشناس بیانگر این حقیقت است که افراد در انتخاب نوع زبان علاوه بر موقعیت اجتماعی مخاطب، به سن او نیز توجه می‌کنند. در ضمن این مسئله نشان می‌دهد که گویشوران فارسی را عمدتاً افراد جوان تشکیل می‌دهند و افراد با در نظر داشتن این حقیقت و با این تصور که مخاطب جوان آن‌ها به احتمال زیاد گویشور فارسی است، سعی می‌کنند که با او به زبان فارسی صحبت نمایند.

3-1-5 - حوزه مذهب، هنر و سرگرمی

حوزه‌هایی که تاکنون بررسی شده‌اند غالباً توسط مکان، موقعیت یا مخاطبان آن تعیین می‌شدند. در مقابل، حوزه مذهب، هنر و سرگرمی براساس موضوع تعریف می‌شود. امور مذهبی، هنری و سرگرمی اموری هستند که با علایق و خواسته‌های درونی افراد مرتبط‌اند. در سایر حوزه‌ها ممکن است موقعیت یا برخی ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی افراد را مجبور سازد که برخلاف میل باطنی‌شان به استفاده از زبان رسمی روی آورند، در حالی که در این حوزه افراد برای انتخاب زبان از آزادی نسبی برخوردارند. حوزه مذهب و هنر یک حوزه خصوصی است و کنکاش در این حوزه می‌تواند ما را به بینش واقع‌گرایانه‌تر در مورد احساسات افراد نسبت به زبان بومی‌شان برساند. از این‌رو در این پژوهش میزان علاقمندی افراد به کاربرد زبان فارسی در امور هنری و مذهبی مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا علایق

افراد در زمینه‌های هنری مانند شعر، داستان، تئاتر، فیلم سینمایی، و موسیقی بررسی شد. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که گروه سنی 14 تا 18 سال در زمینه‌های هنری نیز گرایش زیادی به زبان فارسی دارند. برای مثال 71/25 درصد از افراد این گروه شعر فارسی را به شعر مازندرانی ترجیح می‌دهند. همچنین در زمینه داستان، تئاتر، فیلم سینمایی و موسیقی نیز علاقه‌مندان به زبان فارسی بیش از مازندرانی هستند. در جدول زیر میزان گرایش به زبان فارسی و مازندرانی را در زمینه‌های هنری در افراد سه گروه سنی می‌بینیم:

جدول 5 - میزان علاقه‌مندان به فارسی در زمینه‌های هنری در سه گروه سنی - آمل

بالای 50		30 تا 40		14 تا 18		گروه سنی زمینه هنری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
12/5	10	35	28	71/25	57	شعر
22/5	18	41/25	33	82/5	66	داستان
26/25	21	50	40	71/25	57	تئاتر
27/5	22	53/75	43	76/25	61	فیلم سینمایی
11/25	9	23/75	19	58/75	47	موسیقی

برخلاف جوانان، در گروه سنی بالای 50 سال علاقه‌مندان به مازندرانی در زمینه‌های هنری بر علاقه‌مندان فارسی غلبه دارند. برای نمونه، در این گروه تنها 12/5 درصد از افراد در زمینه شعر فارسی را به مازندرانی ترجیح می‌دهند. در سایر زمینه‌های هنری نیز علاقه‌مندان به مازندرانی بیش از فارسی هستند. در گروه سنی 30 تا 40 سال نیز مطابق معمول سایر حوزه‌ها، گرایش به زبان فارسی بیش از گروه بالای 50 سال و کمتر از گروه 14 تا 18 سال است. علایق آزمودنی‌ها در زمینه سرگرمی‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. یکی از سرگرمی‌های روزمره افراد در جامعه امروزی تماشای تلویزیون و گوش دادن به برنامه‌های رادیوست. از این‌رو از افراد سؤال شد که ترجیح می‌دهند برنامه‌های صدا و سیما را به کدام زبان بشنوند. 70 درصد از افراد 14 تا 18 سال زبان فارسی را به مازندرانی ترجیح می‌دهند و در گروه‌های 30 تا 40 سال و بالای 50 سال این رقم به ترتیب 48/75 و 18/75 درصد است. میزان علاقه‌مندی به دو زبان برای تماشای یا گوش دادن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون در سه گروه سنی در جدول 6 نشان داده شده است:

جدول 6 - میزان علاقه‌مندان به فارسی و مازندرانی در زمینه برنامه‌های صدا و سیما
در سه گروه سنی - آمل

مجموع	مازندرانی		فارسی		زبان	گروه سنی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
100	80	30	24	70	56	14 تا 18
100	80	51/25	41	48/75	39	30 تا 40
100	80	81/25	65	18/75	15	+ 50

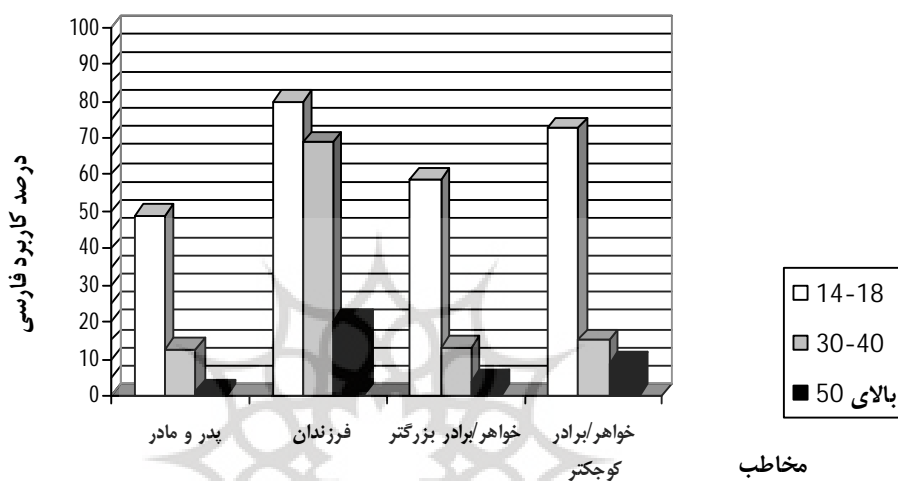
یکی دیگر از حوزه‌های کاربردی زبان، مذهب است. با بررسی این حوزه که حوزه‌ای خصوصی‌تر است در واقع وارد خلوت افراد می‌شویم. به عبارت دیگر، می‌خواهیم ببینیم افراد با چه زبانی با خدای خود راز و نیاز می‌کنند. ارقام به‌دست آمده تا حدودی همراستا با کاربرد زبان در سایر حوزه‌هاست. 17/5 درصد از افراد بالای 50 سال برای نیایش از زبان فارسی و بقیه از زبان مازندرانی استفاده می‌کنند. در گروه 30 تا 40 ساله این رقم افزایش می‌یابد و به 26/25 درصد می‌رسد و طبق معمول بیشترین میزان کاربرد فارسی به گروه سنی 14 تا 18 ساله مربوط می‌شود (71/25 درصد).

3 - 2 - تأثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف

برخی مشخصه‌های فردی و عوامل اجتماعی مانند سن، شغل، تحصیلات، جنسیت و شهرنشینی می‌توانند در انتخاب و کاربرد زبان مؤثر باشند. در اینجا هر یک از این عوامل و تأثیرات آن‌ها در به کارگیری فارسی و مازندرانی در حوزه‌های مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سن افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و کاربرد زبان در یک جامعه دوزبانه دارد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که در یک جامعه دوزبانه جوانان بیش از بزرگسالان در حوزه‌های مختلف از زبان معتبر استفاده می‌کنند و به این ترتیب نقش مؤثرتری در فرایند تغییر زبان ایفا می‌کنند. از آنجایی که ورود زبان معتبرتر به حوزه خانواده با فراگیری این زبان از سوی فرزندان همراه است بنابراین طبیعی است که گویشوران یک زبان معتبرتر در یک جامعه دوزبانه را بیشتر افراد جوان جامعه تشکیل دهند. فراگیری زبان فارسی توسط فرزندان در خانواده‌های مازندرانی در سال‌های اخیر نسبت به گذشته رواج و گسترش بیشتری یافته است

و به همین خاطر انتظار می‌رود که هرچه به گروه‌های سنی پایین‌تر می‌رویم تعداد گویشوران فارسی زبان افزایش داشته باشد. بررسی کاربرد فارسی در حوزه خانواده نشان داده است که تقریباً در تمامی موارد گروه‌های سنی 14 تا 18 سال‌های دو گروه دیگر از زبان فارسی استفاده می‌کنند. داده‌های جدول 1 تا 7 و نمودار 1 تا 4 گواهی بر این مدعاست. به عنوان شاهدی دیگر، میزان کاربرد فارسی در حوزه خانواده در هر سه گروه سنی در نمودار زیر آمده است:

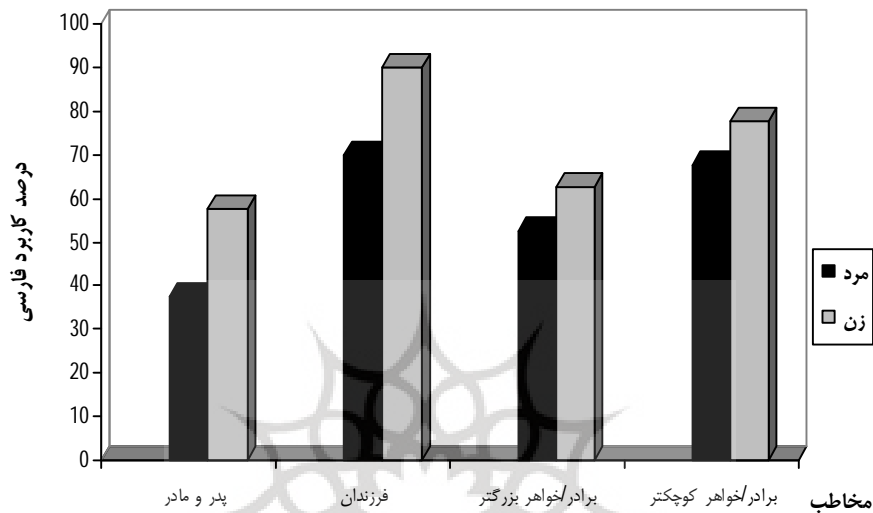


نمودار 3 - مقایسه درصد کاربرد فارسی توسط افراد سه گروه سنی در حوزه خانواده - آمل

این داده‌ها نشان می‌دهند که بین سن افراد و میزان کاربرد فارسی در حوزه خانواده رابطه معکوس وجود دارد.

مطالعات انجام شده از سوی جامعه‌شناسان زبان نشان دادند که میان رفتار زبانی زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد و در نتیجه بخشی از گوناگونی‌های موجود در زبان به جنسیت گویندگان آن برمی‌گردد. این پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند که در مجموع زنان تمایل بیشتری به کاربرد گونه‌های رسمی‌تر زبان دارند. برای نمونه پژوهش ولفرام در شهر دیترویت آمریکا نشان داد که درصد ظهور ویژگی‌های معتبر در گفتار زنان بیش از گفتار مردان است (مدرسی 1368):

164). در این پژوهش نیز تصور می‌رفت که تفاوت چشمگیری میان دو جنس در کاربرد دو زبان وجود داشته باشد و زنان گرایش بیشتری در به کارگیری زبان رسمی‌تر (فارسی) در موقعیت‌ها و حوزه‌های مختلف داشته باشند. برای بررسی این موضوع میزان کاربرد فارسی در حوزه خانواده در گروه 18 تا 14 ساله به تفکیک جنسیت مدنظر قرار گرفته است:

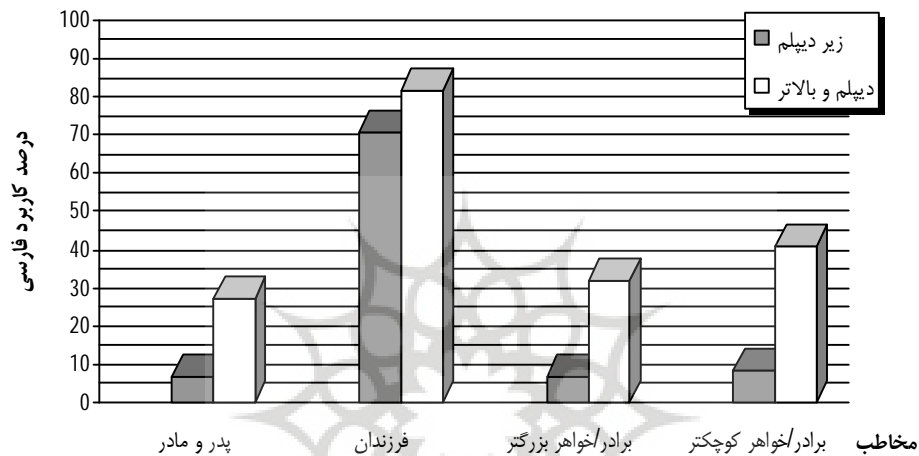


نمودار 4 - مقایسه کاربرد فارسی توسط دختران و پسران 14 تا 18 سال
در حوزه خانواده - آمل

چنان که مشاهده می‌شود در تمامی موارد در حوزه خانواده، دختران بیش از پسران از زبان فارسی استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد که در سایر حوزه‌ها و موقعیت‌ها نیز زنان بیش از مردان تمایل به کاربرد زبان فارسی داشته باشند.

از آنجایی که در یک جامعه زبانی معین گروه‌های تحصیلی بالاتر از گونه‌های سبکی رسمی‌تر یک زبان استفاده می‌کنند، طبیعی است که در یک جامعه دوزبانه نیز افراد تحصیل کرده از زبانی که دارای اعتبار و رسمیت بیشتری است استفاده نمایند و احتمالاً بیشتر از بقیه سعی در آموزش آن زبان به فرزندان خود داشته باشند.

در این بررسی تلاش شد نقش تحصیلات در کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجایی که در گروه بالای 50 سال تعداد افراد باسواد بسیار اندک و در گروه 14 تا 18 سال نیز همگی دانش‌آموزان دبیرستانی به لحاظ سطح تحصیلات برابر هستند، لذا در گروه سنی 30 تا 40 سال به بررسی مسئله می‌پردازیم و برای این منظور به بررسی کاربرد زبان توسط افراد زیر دیپلم و افراد دیپلم و بالاتر در حوزه خانواده می‌پردازیم. این کاربردها در نمودار زیر به نمایش در آمده است:



نمودار 5 - مقایسه کاربرد فارسی توسط افراد زیر دیپلم و دیپلم یا بالاتر 30 تا 40 ساله در حوزه خانواده - آمل

نمودار فوق نشان می‌دهد که در تمامی موارد در حوزه خانواده افراد دارای مدرک دیپلم یا بالاتر بیش از افراد زیر دیپلم از زبان فارسی استفاده می‌کنند. تنها در یک مورد اختلاف دو گروه در کاربرد فارسی بسیار اندک است و آن هم در ارتباط با فرزندان است و این مسئله نشان می‌دهد که انتقال زبان فارسی به عنوان زبان اول به نسل آینده در همه گروه‌ها و طبقات تحصیلی و اجتماعی با اختلافات جزئی در جریان است.

برخی زبان‌شناسان شهرنشینی را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در فرایند تغییر زبان در نظر گرفته‌اند. این به آن معنی است که افراد ساکن مناطق شهری بیش از افراد ساکن در مناطق روستایی تمایل به استفاده از زبان معتبرتر در یک جامعه دوزبانه دارند. همچنین تصور می‌رود که شهرنشینان بیش از روستانشینان سعی داشته باشند که زبان معتبرتر را به عنوان زبان اول به فرزندان خود انتقال دهند.

چنان‌که در بخش 2 آمده است آزمودنی‌های مورد بررسی در هر سه گروه سنی به نسبت مساوی از مناطق شهری و روستایی انتخاب شده‌اند. با بررسی آمار مربوط به کاربرد زبان در هر منطقه (شهری و روستایی) به‌طور جداگانه می‌توان تأثیر شهرنشینی را در میزان کاربرد دو زبان در حوزه‌های مختلف مشخص ساخت.

حال به بررسی اولین زبانی که افراد در کودکی فرا گرفته‌اند در دو جامعه شهری و روستایی می‌پردازیم. در گروه سنی 14 تا 18 ساله 85 درصد از شهرنشینان فارسی را به عنوان اولین زبان فرا گرفته‌اند در حالی که در جامعه روستایی 45 درصد فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند. در گروه سنی 30 تا 40 سال نیز افرادی که فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند، در جامعه شهری به ترتیب 25 و 5 درصد است. در گروه سنی بالای 50 سال نیز این ارقام به ترتیب 5 و صفر درصد است. فهرست کامل این ارقام در جدول زیر آمده است:

جدول 7 - مقایسه میزان افراد شهری و روستایی که فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند - آمل

محل سکونت	شهر		روستا	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
گروه سنی 14 تا 18	85	34	45	18
30 تا 40	25	10	5	2
بالای 50	5	2	-	-

ملاحظه می‌شود که در تمامی گروه‌ها، شهرنشینان بیش از روستانشینان زبان فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند.

3-3 - نگرش زبانی

اصولاً انتخاب و کاربرد زبان توسط افراد تحت تأثیر نگرش‌های زبانی افراد است. بنا به عقیده روانشناسان و زبان‌شناسان، نگرش زبانی مجموعه‌ای از شناخت‌ها، احساسات، و در نهایت عملکرد افراد نسبت به یک زبان است (لمبرت و لمبرت 1964: 50؛ دیتمار 1976: 181). این نگرش‌ها در موقعیت‌هایی که افراد در انتخاب زبان از آزادی عمل برخوردارند، مانند حوزه مذهب و هنر، بیشتر نقش خود را نشان می‌دهند. از طرف دیگر رفتار افراد نسبت به یک زبان و تصمیماتی که آن‌ها نسبت به کاربرد یک زبان اتخاذ می‌کنند می‌تواند منعکس‌کننده نگرش و دیدگاه آن‌ها در مورد نقش، اهمیت و جایگاه آن زبان باشند. بنابراین آنچه تاکنون از کاربرد زبان مازندرانی در موقعیت‌ها و حوزه‌های مختلف ملاحظه نمودیم از ایده‌ها و باورهای افراد در مورد میزان کارایی و رسمیت این زبان ناشی می‌شود.

برای سنجش نگرش زبانی می‌توان از شیوه مستقیم یا غیرمستقیم بهره جست. در شیوه مستقیم از گویشوران یک زبان به‌طور صریح پرسیده می‌شود که دیدگاه و نگرش آن‌ها در مورد آن زبان چیست. برای مثال آیا نگرش‌شان نسبت به آن زبان مثبت است یا منفی؟ به نظر آن‌ها آن زبان زشت است یا زیبا؟ آیا آن زبان مهم است یا بی‌اهمیت؟ در بررسی نگرش‌ها به شیوه مستقیم ممکن است افراد در شرایط خاص و به دلایل خاص از ابراز نگرش‌های واقعی خود سرباز زنند. از این‌رو سنجش نگرش‌ها به شیوه غیرمستقیم بر شیوه مستقیم ترجیح داده می‌شود. در روش غیرمستقیم سؤالاتی از آزمودنی‌ها پرسیده می‌شود که شاید منظور واقعی از طرح آن سؤال برای خود آزمودنی مشخص نباشد، اما محقق از روی پاسخ‌های داده شده و به کمک استنتاج‌ها و تحلیل‌های منطقی به نوع نگرش افراد درباره آن زبان دست می‌یابد. در این پژوهش نیز سعی شده است که با طرح سؤالاتی نگرش افراد به صورت غیرمستقیم مورد ارزیابی قرار گیرد. در این سؤالات محقق جوپای این حقیقت شد که آیا افراد دانستن زبان مازندرانی را ضروری می‌دانند؟ نظر آن‌ها در مورد داشتن یک شبکه تلویزیونی مستقل مازندرانی یا آموزش این زبان در مدارس چیست؟ آیا داشتن لهجه مازندرانی از نظر آن‌ها اشکال دارد؟ جوانان دوست دارند با همسرانشان به چه زبانی صحبت کنند؟ آیا فکر می‌کنند ضرورتی دارد که فرزندان‌شان مازندرانی را بیاموزند؟ آیا بقا یا زوال مازندرانی برایشان اهمیتی دارد؟ و سؤالاتی از این دست که پاسخ آن‌ها مسلماً نشان‌دهنده دیدگاه و احساس درونی افراد نسبت به زبان مازندرانی و اهمیتی است که آن‌ها برای این زبان قائلند.

طبیعی است که اگر زبانی دارای اهمیت، جایگاه و کاربرد زیادی در یک جامعه زبانی باشد، گویشوران دانستن آن زبان را ضروری احساس نمایند. از این رو در بخش مربوط به نگرش‌ها از افراد سؤال شد که «به نظر شما آیا دانستن زبان مازندرانی برای شما ضرورتی دارد؟» و آزمودنی‌ها سه گزینه «خیلی»، «کم»، و «اصلاً» را جهت انتخاب در پیش رو داشتند. پاسخ‌ها در گروه‌های سنی مختلف متفاوت بود. درصد و فراوانی هریک از این گزینه‌ها در هر سه گروه سنی در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول 8 - مقایسه دیدگاه سه گروه سنی در مورد ضرورت دانستن زبان مازندرانی - آمل

مجموع		اصلاً		کم		خیلی		ضرورت دانستن مازندرانی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
100	80	3/75	3	30	24	66/25	53	14 تا 18 سال
100	80	2/5	2	25	20	72/5	58	30 تا 40 سال
100	80	3/75	3	15	12	81/25	65	بالای 50 سال
100	240	3/34	8	23/33	56	73/33	176	کل آزمودنی‌ها

از نظر اکثریت افراد در هر سه گروه سنی دانستن زبان مازندرانی «خیلی» ضرورت دارد و به‌طور میانگین حدود 73 درصد از کل آزمودنی‌ها چنین عقیده‌ای دارند و این خود جای بسی امیدواری است. اما در عین حال، این مسئله نگران کننده است که بیشترین درصد این افراد مربوط به گروه سنی بالای 50 سال می‌باشند و هرچه به گروه‌های سنی پایین‌تر می‌رویم درصد این افراد کاهش می‌یابد (از حدود 81 درصد به حدود 66 درصد می‌رسد). اگر همین روند کاهش ادامه داشته باشد طبیعتاً در گروه‌های سنی خیلی پایین، مانند کودکان، درصد کمی از افراد دانستن مازندرانی را ضروری می‌دانند. وقوع چنین اتفاقی، یعنی وضعیتی که در آن جوانان ضرورت چندانی برای یادگیری زبان بومی احساس نکنند، می‌تواند خود از نشانه‌های تغییر زبان باشد.

والدین نقش اساسی در انتقال زبان بومی به نسل بعد دارند و تشویق والدین به یادگیری زبان بومی می‌تواند در ایجاد اعتبار و اهمیت برای زبان بومی و ایجاد انگیزه در فرزندان برای

یادگیری این زبان مؤثر باشد. بنابراین بد نیست بدانیم که والدین فرزندان را به صحبت کردن به چه زبانی بیشتر تشویق می‌کنند. پاسخ‌های آزمودنی‌ها به این سؤال در سه گروه سنی بسیار جالب توجه و نشان دهنده تغییر در نگرش‌ها در فاصله نسل‌هاست.

جدول 9 - میزان تشویق والدین به یادگیری فارسی و مازندرانی در سه گروه سنی - آمل

مجموع		مازندرانی		فارسی		تشویق والدین به یادگیری دو زبان	گروه سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
100	80	26/25	21	73/75	59		14 تا 18 سال
100	80	83/75	67	16/25	13		30 تا 40 سال
100	80	91/25	73	8/75	7		بالای 50 سال

ملاحظه می‌شود که در نسل بالای 50 سال درصد بالایی (حدود 91 درصد) از والدین فرزندان را به یادگیری مازندرانی تشویق می‌کردند ولی در نسل امروزی تعداد این والدین به یکباره کاهش می‌یابند و به حدود 26 درصد می‌رسد. این اختلاف زیاد در ارقام دو گروه نشان دهنده اختلاف ایجاد شده در دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به جایگاه و اهمیت زبان بومی است. از طرف دیگر درصد والدینی که فرزندان را بیشتر به فراگیری فارسی تشویق می‌کنند در فاصله دو نسل (بالای 50 سال و 30 تا 40 سال) حدوداً دو برابر شده است (از 8/75 درصد به 16/25 درصد رسیده است). اما در فاصله دو نسل دیگر، یعنی نسل 30 تا 40 سال و نسل 14 تا 18 سال، این درصد تقریباً 4/5 برابر شده است. به عبارت دیگر درصد والدینی که فرزندان را بیشتر به فراگیری فارسی تشویق می‌کنند در فاصله سه نسل به یک روش تصاعدی افزایش می‌یابند.

مسئله دیگری که می‌تواند در شکل‌دهی نگرش‌های زبانی در فرزندان و نیز فراگیری زبان بومی توسط فرزندان در حوزه خانواده نقش داشته باشد زبان ارتباطی میان والدین است. چنانچه والدین در خانواده تمایلی به استفاده از زبان بومی در برقراری ارتباط با یکدیگر نداشته باشند، برای فرزندان این تلقی ایجاد خواهد شد که زبان بومی آن‌ها از اهمیت و اعتبار برخوردار نبوده و نمی‌تواند در هیچ حوزه‌ای حتی خانواده نقش برقراری ارتباط را به عهده

بگیرد. وقتی از آزمودنی‌ها پرسیده شد که دوست دارید همسرتان بیشتر به کدام زبان با شما صحبت کند، باز در پاسخ‌ها شاهد گرایش نسل جوان به زبان فارسی بودیم. در این نسل حدود 79 درصد مایلند همسرانشان با آن‌ها به زبان فارسی صحبت کنند. مثل موارد قبل وقتی به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم این درصد به یکباره کاهش می‌یابد. تعداد و فراوانی افرادی که دوست دارند همسرانشان با آن‌ها فارسی صحبت کنند در جدول زیر آمده است:

جدول 10 - مقایسه تعداد افرادی که مایلند همسرانشان با آن‌ها فارسی یا مازندرانی صحبت نمایند - آمل

مجموع		مازندرانی		فارسی		علاقه‌مندی در مورد زبان همسر گروه سنی
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
100	80	21/25	17	78/75	63	14 تا 18 سال
100	80	76/25	61	23/75	19	30 تا 40 سال
100	80	92/5	74	7/5	6	بالای 50 سال

یکی از مسایل مورد بحث در مورد «مازندرانی» این است که اصولاً چه «عنوانی» را باید برای این‌گونه زبانی به کار برد، «زبان»، «لهجه»، یا «گویش»؟ معیارهای متفاوتی، اعم از زبانی و غیرزبانی، از سوی زبان‌شناسان برای تمایز این سه از یکدیگر ارائه شده است که در اینجا وارد جزئیات بحث نمی‌شویم. با وجود این، انتخاب هریک از این عناوین از سوی گویشوران برای مازندرانی می‌تواند منعکس‌کننده دیدگاه و نگرش آن‌ها در مورد مازندرانی باشد، زیرا چنان‌که مدرسی (1368: 135 - 139) بحث می‌کند گاه ممکن است معیارهای غیرزبانی مانند مرزهای سیاسی کشورها، نگرش افراد نسبت به زبان‌ها، و ارزش و اعتبار اجتماعی زبان‌ها، معیارهای زبانی را تحت‌تأثیر قرار دهند. در واقع همین معیارهای غیرزبانی باعث می‌شوند که نروژی‌ها پس از استقلال از دانمارک، زبانشان را که در واقع لهجه‌ای از دانمارکی است یک زبان مستقل با عنوان «زبان نروژی» بنامند.

برای سنجش نگرش آزمودنی‌ها در این خصوص از آن‌ها سؤال شد، «به نظر شما کدام عنوان برای مازندرانی مناسب‌تر است: زبان، لهجه، یا سایر؟» اصطلاح «گویش» پس از

اجرای آزمایشی پرسشنامه از بین گزینه‌ها حذف شد زیرا بسیاری از پرسش‌شوندگان، به ویژه افراد بی‌سواد و گروه‌های سنی بالا، نمی‌توانستند بین این اصطلاح فنی و اصطلاح «لهجه» تمایز قایل شوند. پس از بررسی پاسخ‌ها، ارقام ذیل حاصل شد:

جدول 11 - نگرش افراد در مورد عنوان مناسب برای مازندرانی - آمل

مجموع		سایر		لهجه		زبان		عنوان مناسب برای مازندرانی	گروه سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
100	80	10	8	53/75	43	36/25	29	14 تا 18 سال	
100	80	-	-	26/25	21	73/75	59	30 تا 40 سال	
100	80	-	-	37/5	30	62/5	50	بالای 50 سال	
100	240	3/33	8	39/17	94	57/5	138	کل آزمودنی‌ها	

جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین تعداد افرادی که مازندرانی را «زبان» اطلاق نمودند در گروه سنی 30 تا 40 سال قرار دارند. در مقابل درصد کمی از افراد گروه 14 تا 18 سال مازندرانی را زبان به حساب می‌آورند و این بیانگر وجود نگرش‌های منفی نسبت به مازندرانی در بین افراد این گروه است. در گروه بالای 50 سال اگرچه اکثریت با یک نگرش مثبت مازندرانی را یک «زبان» در نظر گرفته‌اند اما این عده کمتر از تعداد افرادی‌اند که در گروه 30 تا 40 سال چنین نگرشی دارند. در واقع در گروه سنی میانی ما شاهد وجود یک نگرش مثبت‌تر نسبت به این موضوع هستیم که به لحاظ علمی بیشتر منطبق با واقعیت‌های زبان‌شناختی است. تنها در گروه 14 تا 18 سال تعدادی عناوینی غیر از «زبان» و «لهجه» را مدنظر داشته‌اند که با وجود آشنایی این افراد با مفهوم «گویش» در کتب درسی سال‌های اخیر بعید نیست که این عنوان مدنظر آن‌ها بوده باشد.

معمولاً برای افرادی که زبان فارسی را به عنوان زبان دوم آموخته‌اند، داشتن لهجه مازندرانی به هنگام فارسی صحبت کردن امری طبیعی است. این مسئله حتی در مورد افرادی که فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند نیز صحت دارد، زیرا این افراد عموماً فارسی را از افرادی آموخته‌اند که خود آن را با لهجه صحبت می‌کنند.

تصور می‌شود که لهجه داشتن فی‌نفسه چیز بدی نباشد. لهجه داشتن، به بیان ساده، چیزی جز بروز ویژگی‌های زبان مادری (اعم از صرفی، نحوی، آوایی، و واژگانی) در زبان دوم، به هنگام صحبت کردن زبان دوم نیست. بنابراین داشتن لهجه مازندرانی یعنی انتقال ویژگی‌های مازندرانی به زبان فارسی به هنگام فارسی صحبت کردن. گاه ممکن است که عکس این قضیه نیز اتفاق بیفتد، یعنی ویژگی‌های زبان دوم در زبان اول ظاهر شود. مثلاً یک گویشور بومی فارسی به واسطه ارتباط زیاد یا طولانی مدت با زبان انگلیسی ممکن است فارسی را با لهجه انگلیسی صحبت نماید.

حال سؤال این است که آیا لهجه داشتن «خوب» است یا «بد»؟ به عبارت دیگر آیا لهجه داشتن از اعتبار فرد می‌کاهد یا به اعتبار فرد می‌افزاید؟ ظاهراً پاسخ به این سؤال تا حدود زیادی منوط به دو زبان درگیر در قضیه لهجه داشتن است. احتمالاً داشتن لهجه انگلیسی به هنگام فارسی صحبت کردن به اعتبار فرد می‌افزاید و این بدون شک به خاطر اعتبار بالای انگلیسی در سطح ملی و بین‌المللی است. حال می‌خواهیم دیدگاه پرسش‌شوندگان این پژوهش را در مورد داشتن لهجه مازندرانی به هنگام فارسی صحبت کردن بدانیم. برای این منظور از افراد سؤال شد، «آیا داشتن لهجه مازندرانی به هنگام فارسی صحبت کردن از اعتبار شما می‌کاهد؟» تعداد و فراوانی پاسخ‌های پرسش‌شوندگان در سه سطح «خیلی»، «کم»، و «اصلاً» در جدول زیر مرتب شده‌اند:

جدول 12 - نگرش افراد در مورد داشتن لهجه مازندرانی به هنگام فارسی

صحبت کردن - آمل

گروه سنی	کاستن لهجه مازندرانی از اعتبار فرد		اصلاً		کم		خیلی		مجموع
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد		
14 تا 18 سال	7	8/75	24	30	49	61/25	80	100	
30 تا 40 سال	7	8/75	21	26/25	52	65	80	100	
بالای 50 سال	2	2/5	15	18/75	63	78/75	80	100	
کل آزمودنی‌ها	16	6/67	60	25	164	68/33	240	100	

در کل عده معدودی از افراد سه گروه معتقدند که داشتن لهجه مازندرانی خیلی از اعتبار فرد می‌کاهد و این مسئله امیدوار کننده است. همچنین می‌بینیم که اکثریت بالایی از افراد گروه بالای 50 سال معتقدند که داشتن لهجه مازندرانی اصلاً از اعتبارشان نمی‌کاهد و این از نگرش مثبت افراد این گروه نسبت به زبان مازندرانی حکایت دارد. اما این عده در گروه 30 تا 40 سال کمتر می‌شوند و در گروه 14 تا 18 سال باز هم کمتر می‌شوند. این مسئله نشان دهنده آن است که مثل موارد قبل نگرش منفی در گروه سنی پایین بیش از گروه‌های سنی بالاست. این جدول مانند جدول‌های پیشین وجود رابطه معکوس میان سن افراد و نگرش منفی نسبت به مازندرانی را تأیید می‌کند.

در مجموع شواهد موجود در مورد کاربرد زبان در حوزه‌های مختلف و نیز نگرش‌های موجود نسبت به دو زبان گویشی کاهش تدریجی گویشوران مازندرانی، و به بیانی زوال تدریجی این زبان است. حال می‌خواهیم بدانیم که آیا خود گویشوران با این عقیده موافقتند که زبان مازندرانی به تدریج در حال نابودی است. پاسخ‌های به‌دست آمده از پرسشی با همین مضمون در جدول زیر آمده است:

جدول 13 - نگرش افراد در مورد زوال تدریجی مازندرانی - آمل

مجموع	نمی‌دانم		خیر		بلی		نابودی تدریجی مازندرانی؟	گروه سنی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
100	80	36/25	29	25	20	38/75	31	14 تا 18 سال
100	80	23/75	19	15	12	61/25	49	30 تا 40 سال
100	80	46/25	37	10	8	43/75	35	بالای 50 سال
100	240	35/41	85	16/67	40	47/92	115	کل آزمودنی‌ها

در مجموع حدود 48 درصد تصور می‌کنند که مازندرانی به تدریج در حال نابودی است و حدود 35 درصد نیز در این مورد اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند. تنها درصد کمی (حدود 17 درصد) با ایده نابودی تدریجی مازندرانی مخالفند. البته باز اختلاف در نظرات سه گروه مشهود است و ظاهراً هرچه به گروه‌های سنی بالاتر می‌رویم نظرات واقع‌بینانه‌تر می‌شود.

4 - نتیجه گیری

در مجموع یافته‌های این پژوهش از یک فرایند تغییر زبان در جهت حذف زبان مازندرانی در منطقه حکایت دارند. در اینجا به اختصار به برخی از مهم‌ترین دلایل و شواهد موجود در این زمینه می‌پردازیم:

1 - گرایش جوانان به زبان فارسی به معنی کاسته شدن از تعداد گویشوران مازندرانی در آینده است.

2 - گرایش دختران جوان به زبان فارسی می‌تواند به منزله افزایش فراگیری فارسی از سوی فرزندان در خانواده باشد زیرا دختران به عنوان مادران آینده در زبان‌آموزی فرزندان نقش حیاتی بر عهده دارند.

3 - گرایش افراد تحصیل کرده و شهرنشین به زبان فارسی، با توجه به گسترش روزافزون باسوادی و شهرنشینی، به منزله کاهش جمعیت گویشوران مازندرانی در آینده است.

4 - کاربرد فارسی در محیط مدرسه به عنوان زبان آموزشی و تنها زبان ارتباطی میان معلم و دانش‌آموز می‌تواند زبان مازندرانی را در نظر دانش‌آموزان بی‌اهمیت جلوه داده و ایجاد نگرش منفی نسبت به این زبان نماید.

5 - در حوزه مذهب زبان مازندرانی کاربرد چندانی ندارد و این در حالی است که مذهب معمولاً آخرین پایگاه زبان در حال تغییر در نظر گرفته می‌شود.

6 - عدم وجود نگرش‌های مثبت و همچنین نبود علاقه و دلبستگی عمیق نسبت به مازندرانی، بیانگر آن است که یک عزم گروهی برای حفظ این زبان وجود ندارد.

یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در ایران (مانند ذوالفقاری 1376؛ مشایخ 1381؛ علایی 1383؛ صفایی 1383؛ رنجبر 1384؛ شاه‌بخش 2000؛ و حسن‌پور 200) نشان می‌دهند که سایر زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران نیز رفته‌رفته جای خود را به زبان فارسی می‌دهند و حفظ و بقای این زبان‌ها تلاش و همت متخصصان و مسئولان امور فرهنگی کشور را می‌طلبد.

منابع

- پراید، ج.ب. 1373. جامعه‌شناسی یادگیری و تدریس زبان. اکبر میرحسینی. تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، سیما. 1376. گویش بختیاری، بقا یا زوال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

- رنجیر، کتابون. 1384. بررسی وضعیت دو زبانگی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- صفایی، اسماعیل. 1383. بررسی نگرش دانش‌آموزان دو زبانه شهر مرند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- علایی، بهلول. 1383. مبانی اجتماعی - فرهنگی کاربرد زبان فارسی به عنوان زبان آموزش در مناطق ترک زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- مدرسی، یحیی. 1368. درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مشایخ، طاهره. 1381. بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در شهر رشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یارمحمدی، لطف‌الله. 1374. "زوال زبان‌ها و لهجه‌ها". نامه فرهنگستان علوم. سال دوم، شماره دوم.
- Dittmar, Norbert. 1976. *Sociolinguistics*. London: Edvard Arnold.
- Fasold, Ralph. 1984. *The Sociolinguistics of Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gal, Susan. 1979. *Language Shift: Social Determinants of Linguistic Change in Bilingual Austria*. New York: Academic Press.
- Hassanpour, Amir. 2000. *The Politics of A-political Linguistics: Linguists and Linguicide*. http://www_cogsci_ed_ac_uk/~siamakr-Fig-Science-greenpen_jpg_files/Hassanpour.htm.
- Lambert, W. William, and Wallace, E. Lambert. 1964. *Social Psychology*. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Shahbakhsh, Azim. 2000. *A Case Study of Baloch Language; An L1 Changing to an L2?* <http://www.baloch2000.com/culture/language/-3K>.